




بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ  
الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي  
خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ  
وَالَّذِي جَعَلَ الْمَوْتَ  
وَالْحَيَاةَ وَالَّذِي  
يُحْيِي الْمَوْتَى  
وَالَّذِي يُخْرِجُ  
الْحَبَّ وَالنَّخْلَ  
وَالَّذِي جَعَلَ  
الْبَحْرَ الْأَمْرَاسَ  
وَالَّذِي جَعَلَ  
الْبَحْرَ الْأَمْرَاسَ  
وَالَّذِي جَعَلَ  
الْبَحْرَ الْأَمْرَاسَ

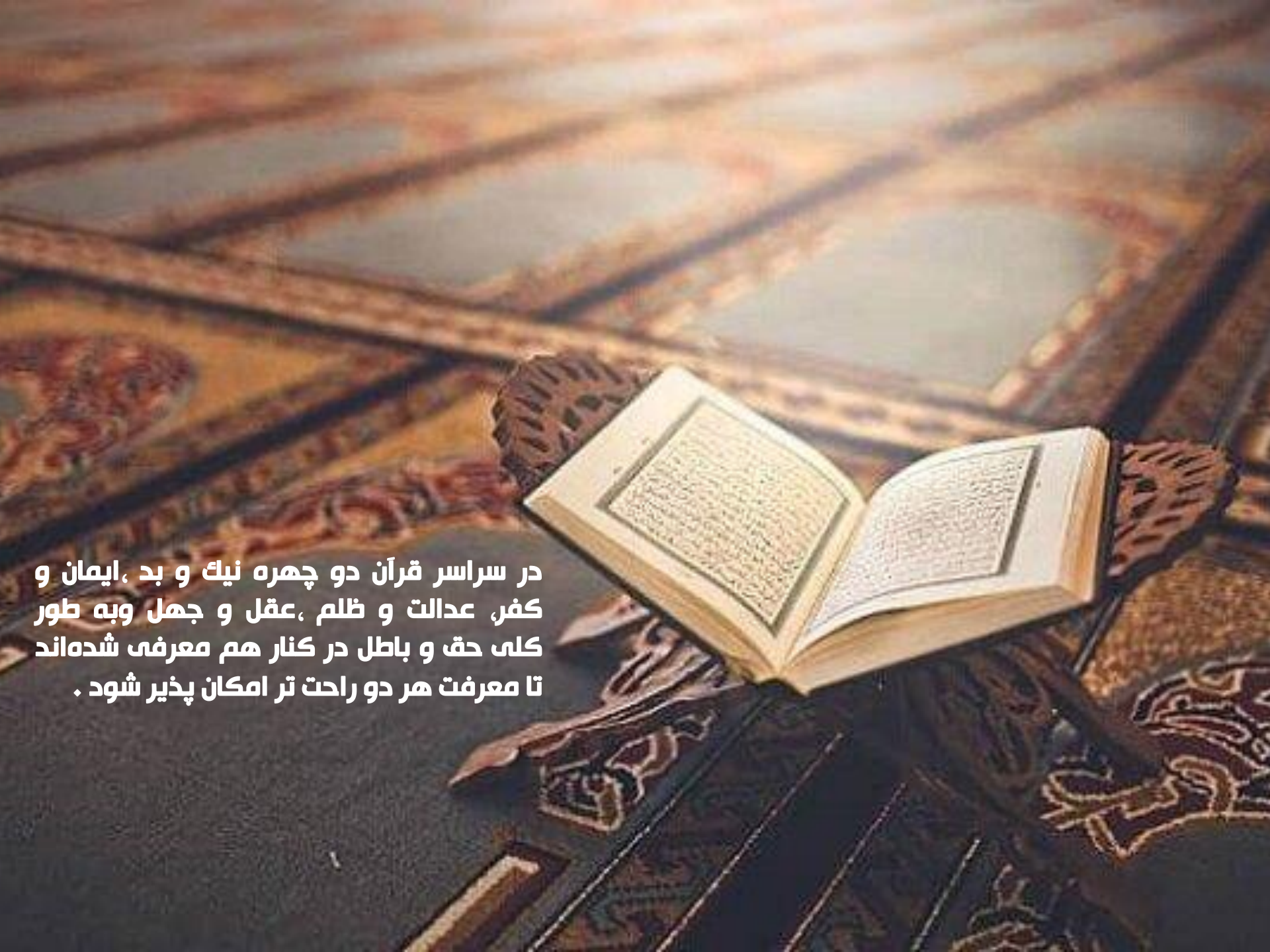
روش های تصویر آفرینی در قرآن

فصل دوم

۷ تقابل و رویایی صحنه ها با یکدیگر



**ویژگی طبیعی انسان طوری است که  
اشیا را از راه مقایسه با هم و مقایسه  
با نقطه مقابل شان می شناسد و اگر  
نقطه مقابل نباشد نمیتواند آنها را  
بشناسد ولو در کمال ظهور باشد مثل:  
نور و ظلمت ، علم و جهل، قدرت و عجز،  
خیر و شر ، حرکت و سکون ، حدوث و  
قدم و فنا و ابدیت.**



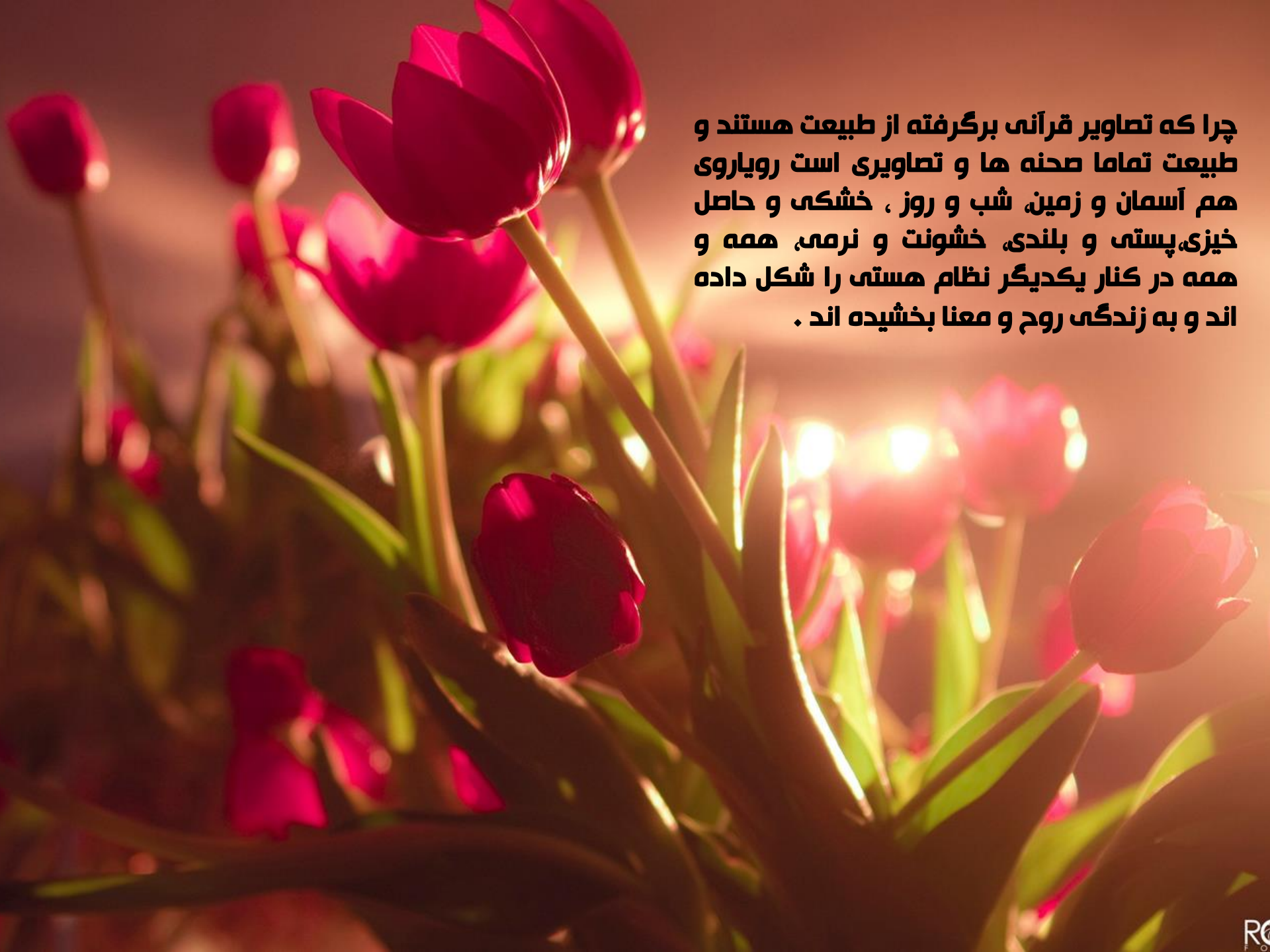
در سراسر قرآن دو چهره نیک و بد ، ایمان و کفر، عدالت و ظلم ، عقل و جهل و به طور کلی حق و باطل در کنار هم معرفی شده‌اند تا معرفت هر دو راحت تر امکان پذیر شود .

# سید قطب درباره این ویژگی تعبیرات قرآن میگوید

تقابل های دقیق و لطیفی در میان سیماهایی که تعبیرات زیبای قرآنی نقش می زنند به چشم میخورد و این تقابل خود از جمله روشهای تصویر پردازی و به سخن در آوردن واژه هاست و تعبیر قرآن از این شیوه فراوان برای ترسیم صحنه ها بهره میجویند.

**مقابله و رویارویی صحنه ها با یکدیگر نقش مهمی در تأثیرگذاری بر مخاطب ایفا می‌کند زیرا بدیهی است که ارائه یک صحنه در مجالس خاص نخواهد توانست همان تأثیری را از خود به جای بگذارد که در رویارویی آن صحنه با طرف مقابلش پدید می‌آید ضمن اینکه این فرصت را به مخاطب هم می‌دهد تا با شناخت هر دو جنبه به مقایسه آن دو با یکدیگر بپردازد و به انتخاب آگاهانه یکی از آن دو مبادرت نماید چندان جای تعجب نیست که در قرآن شاهد رویارویی فراوان صحنه ها با یکدیگر باشیم .**





چرا که تصاویر قرآنی برگرفته از طبیعت هستند و طبیعت تماما صحنه ها و تصاویری است رویاروی هم آسمان و زمین، شب و روز ، خشکی و حاصل خیزی، پستی و بلندی، خشونت و نرمی، همه و همه در کنار یکدیگر نظام هستی را شکل داده اند و به زندگی روح و معنا بخشیده اند .

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَبْطُلُوا صَدَقَاتِكُمْ بِالْمَنِّ وَالْأَذَىٰ ۚ كَالَّذِي  
يُنْفِقُ مَالَهُ رِثَاءَ النَّاسِ وَلَا يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ ۚ فَمَثَلُهُ  
كَمِثْلِ صَفْوَانَ عَلَيْهِ تُرَابٌ فَاَصَابَهُ وَأَبْلٌ فَتَرَكَهُ صَلْدًا ۚ لَا  
يَقْدِرُونَ عَلَيْهِ شَيْءٌ مِّمَّا كَسَبُوا ۚ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ  
الْكَافِرِينَ (بقره. ۲۶۴)

قرآن از دو چهره مختلف انفاق و انفاق  
کنندگان در دو تصویر گویا که درست رویاروی  
هم قرار گرفته اند پرده برمی دارد در تصویر  
نخست شاهد اتفاق هستیم که به انگیزه خود  
نمایی و یا همراه با منت و آزار صورت می پذیرد



ای کسانی که ایمان آورده اید صدقه های  
خود را با منت و آزار باطل نکنید مانند کسی  
که مالش را برای خودنمایی به مردم انفاق  
می کند و به خدا و روز بازپسین ایمان ندارد  
پس مثل او همچون مثل مثل سنگ خارا می است  
که بر روی آن خاکی (نشسته) است و رگباری  
به آن رسیده و آن (سنگ) را سخت و صاف بر  
جای نهاده است آنان (ریاکاران) نیز از آنچه به  
دست آورده اند بهره ای نمی برند .



اما نقطه مقابل آنان کسانی هستند که برای رضای خدا انفاق می کنند که تصویر ارائه شده از آنان چنین است .

وَمِثْلُ الَّذِينَ يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِ اللَّهِ  
وَتَثْبِيتًا مِنْ أَنْفُسِهِمْ كَمَثَلِ جَنَّةٍ بَرِيَّةٍ أَصَابَهَا وَابِلٌ  
فَاتَتْ أَكْلَهَا ضِعْفَيْنِ فَإِنْ لَمْ يُصِبْهَا وَابِلٌ فَطَلَّ  
وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ (٢٦٥ بقره)

و مثل کسانی که اموالشان را برای طلب خشنودی خدا و استواری روحشان انفاق می کنند، همچنان باغی است که بر فراز پشته ای قرار دارد (که اگر) رگباری بر آن برسد دوچندان محصول برآورد و اگر رگباری هم بر آن نرسد، باران ریزی (برای آن بس است)

در صحنه نخست اگر باران قشر نازک خاک را کنار میزند و چهره سخت سنگ را همچون چهره دوم فرد آزار دهنده عیان میسازد در صحنه دوم به علت آمادگی زمین برای رویش گیاه چه باران ببارد و چه بسیار ناچیز باشد آن زمین مستعد را همواره سبز باقی می گذارد .





در تصویر نخست، اگر سنگ خارا در زیر قشر نازکی از خاک نهان است، صدقه ریاکار نیز پوشش گول زننده و کم عمقی بر روی چهره واقعی اوست که حوادث زندگی به زودی این پرده را کنار میزند و باطن وی را آشکار می سازد .

در نمونه دیگر شاهد آن هستیم که در يك آیه دو مفهوم  
پراکندگی و جمع آوری در برابر همدیگر قرار گرفته اند و تابلوی  
بدیعی را به نمایش گذارده اند .

وَمِنْ آيَاتِهِ خَلْقُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا مِنْ  
دَابَّةٍ ۗ وَهُوَ عَلَىٰ جَمْعِهِمْ إِذَا يَشَاءُ قَدِيرٌ . (شوری . ۲۹)

از نشانه های (قدرت) اوست، آفرینش آسمانها و زمین  
و آنچه از (انواع) جنبنده در میان آن دو پراکنده است  
و او هرگاه بخواهد بر گرد آوردن آن تواناست .



در جای دیگر قرآن در مقام مقایسه مومن و کافر از این تمثیل زیبا بهره جسته و میگوید .

أَفَمَنْ يَمْشِي مُكَبًّا عَلَىٰ وَجْهِهِ أَهْدَىٰ أَمَّنْ يَمْشِي سَوِيًّا عَلَىٰ صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ (۲۰۲ مَلِك)

آیا کسی که به رو افتاده حرکت میکند، به هدایت نزدیک تر است یا کسی که راست قامت در صراط مستقیم گام برمی دارد.

و از همین قبیل است مقایسه مومن و کافر در  
تصاویر: انسان زنده و مرده، فرد بینا و سمیع و  
کور و کر، گشاده سینه و سینه سخت، زمین حاصل  
خیز و زمین شوره زار .

أَوَمَنْ كَانَ مَيِّتًا فَأَحْيَيْنَاهُ وَجَعَلْنَا لَهُ نُورًا يَمْشِي بِهِ فِي  
النَّاسِ كَمَنْ مَثَلُهُ فِي الظُّلُمَاتِ لَيْسَ بِخَارِجٍ مِنْهَا ۗ  
كَذَلِكَ زَيْنٌ لِّلْكَافِرِينَ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ  
انعام ١٢٢

آیا کسی که [از نظر عقلی و روحی] مرده بود و  
ما او را [به وسیله هدایت و ایمان] زنده کردیم، و  
برای وی نوری قرار دادیم تا در پرتو آن در میان  
مردم [به درستی و سلامت] حرکت کند، مانند  
کسی است که در تاریکی ها [ی جهل و گمراهی]  
است و از آن بیرون شدنی نیست؟! این گونه برای  
کافران [به خاطر لجابت و عنادشان] آنچه انجام  
می دادند، آراسته شد [تا گمان کنند اعمالی را که  
انجام می دهند نیکوست].

فرد بینا و سمیع و کور و کر



مَثَلُ الْفَرِيقَيْنِ كَالْأَعْمَى ۖ وَالْأَصْمَى وَالْبَصِيرِ وَالسَّمِيعِ ۗ هَلْ يَسْتَوِيَانِ مَثَلًا ۗ أَفَلَا تَذَكَّرُونَ

هود ۲  
وصف این دو گروه [مشرك و مؤمن] همانند نابینا و کر و بینا و شنواست؛ آیا [این دو گروه] در صفت و حال یکسانند؟ پس آیا متذکر نمی شوید؟



گشاده سینه و سینه سخت

فَمَنْ يُرِدِ اللَّهُ أَنْ يَهْدِيَهُ يَشْرَحْ صَدْرَهُ لِلْإِسْلَامِ ۖ وَمَنْ يُرِدْ  
أَنْ يُضِلَّهُ يَجْعَلْ صَدْرَهُ ضَيِّقًا حَرَجًا كَأَنَّمَا يَصْعَدُ فِي السَّمَاءِ  
ۚ كَذَلِكَ يَجْعَلُ اللَّهُ الرِّجْسَ عَلَى الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ

۱۲۵ انعام

پس کسی را که خدا بخواهد هدایت کند، سینه اش را برای [پذیرفتن] اسلام می گشاید؛ و کسی را که [به] خاطر لجابت و عنادش [بخواهد] گمراه نماید، سینه اش را چنان تنگ می کند که گویی به زحمت در آسمان بالا می رود؛ خدا این گونه پلیدی را بر کسانی که ایمان نمی آورند، قرار می دهد.



## زمین حاصل خیز و زمین شوره زار

وَالْبَلَدُ الطَّيِّبُ يَخْرُجُ نَبَاتُهُ بِإِذْنِ رَبِّهِ ۗ وَالَّذِي خَبُثَ لَا يَخْرُجُ إِلَّا تَكْدًا ۗ  
كَذَلِكَ نُنصِرُكَ الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَشْكُرُونَ (اعراف، ۵۸)

و زمین پاک است که گیاهش به اذن پروردگارش بیرون می آید، و  
زمینی که ناپاک است، جز گیاهی اندک و بی سود از آن بیرون نمی  
آید؛ این گونه نشانه ها را برای گروهی که سپاس گزارند [به  
صورت های گوناگون] بیان می کنیم.

**و یا مقایسه موحد و مشرک در تصاویر: بنده ای با یک مولا و غلامی چند خواجه،  
انسان آزاده و بنده ای زرخرید، توانمندی گویا و گنگی ناتوان**



## بنده ای با يك مولا و غلامی چند خواجه

ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا رَجُلًا فِيهِ شُرَكَاءُ مُتَشَاكِسُونَ وَرَجُلًا سَلَمًا  
لِرَجُلٍ هَلْ يَسْتَوِيَانِ مَثَلًا الْحَمْدُ لِلَّهِ بَلْ أَكْثَرُهُمْ لَا يَعْلَمُونَ  
(آزم. ۲۹)

خدا [برای فهماندن حقیقت توحید و شرک] مثلی زده است:  
مردی را که اربابانی ناسازگار و بداخلاق در [مالکیت] او  
شریک اند، و مردی که فقط برده یک مالک است، آیا این دو  
برده از جهت فرمان گرفتن و فرمان بردن با هم یکسانند؟  
[موحدان که بنده خدای یکتا هستند، دارای زندگی منظم  
و پاک و آخرتی آبادند، و مشرکان که فرمان بران اربابان  
گونگونند، دارای زندگی پریشان و آخرتی خراب اند.] همه  
ستایش ها ویژه خداست. بلکه بیشترشان [به آثار و منافع  
بندهای خدا] معرفت و آگاهی ندارند

## انسان آزاده و بنده ای زرخرید

ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا عَبْدًا مَمْلُوكًا لَا يَقْدِرُ عَلَىٰ شَيْءٍ وَمَنْ رَزَقْنَاهُ مِنَّا رِزْقًا حَسَنًا فَهُوَ يُنْفِقُ مِنْهُ سِرًّا وَجَهْرًا ۖ هَلْ يَسْتَوُونَ ۗ الْحَمْدُ لِلَّهِ ۗ بَلْ أَكْثَرُهُمْ لَا يَعْلَمُونَ (نحل. ۷۵)

خدا مثلی زده است: برده زر خریدی که بر هیچ کاری قدرت ندارد، و کسی که ما از سوی خود رزق نیکویی به او داده ایم، و او در پنهان و آشکار از آن انفاق می کند، آیا [این دو نفر] یکسانند؟ [این مثل، بیان کننده جایگاه و منزلت خدا و مجموعه هستی است؛ خدا مالک و فرمانروا و رازق همه مخلوقات و تدبیر کننده امور آنهاست، و همه مخلوقات مملوک و محکوم قدرت اویند؛ پس چرا شما بدون اندیشه و تفکر و بی دلیل و برهان بت های ناتوان و عاجز را که مملوکی بی اراده اند، شریک ربوبیت حق می دانید؟! آیا خدا و بت مساوی است؟! همه ستایش ها ویژه خداست [که یگانه و یکتاست و هیچ شریکی ندارد]؛ ولی بیشتر آنان [این حقیقت را] نمی دانند.

## توانمندی گویا و گنگی ناتوان

وَضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا رَجُلَيْنِ أَحَدُهُمَا أَبْكَمُ لَا يَقْدِرُ عَلَىٰ شَيْءٍ  
وَهُوَ كَلٌّ عَلَىٰ مَوْلَاهُ أَيْنَمَا يُوَجِّههُ لَا يَأْتِ بِخَيْرٍ هَلْ يَسْتَوِي  
هُوَ وَمَنْ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ ۖ وَهُوَ عَلَىٰ صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ

و خدا مثلی [دیگر] زده است؛ دو مرد را که یکی از آنان لال  
مادرزاد است [و] بر هیچ کاری قدرت ندارد و سربار سرپرست  
خویش است؛ او را هر کجا روانه می کند، منفعت و سودی نمی  
آورد، آیا چنین لال بی قدرت و بی سودی با کسی که [گویا و  
شنوا است و] به عدالت و انصاف فرمان می دهد و بر راهی راست  
قرار دارد، یکسان و مساوی است؟ [پس چرا معبودهای لال بی  
قدرت و بی سود را با خدای توانا و شنوا که ذاتش خیر بی نهایت  
است، برابر می دانید؟]



یا مقایسه مومن و منافق در تصویر کسی که شالوده کارش بر پایه پرهیز از خدا و خشنودی اوست با کسی که اساس را برکنار پرتگاه سستی بنا نموده که ناگهان در آتش دوزخ فرو می ریزد .

فَمَنْ أَسَّسَ بُنْيَانَهُ عَلَىٰ تَقْوَىٰ مِنْ اللَّهِ  
وَرِضْوَانٍ خَيْرٌ أَمْ مَنْ أَسَّسَ بُنْيَانَهُ عَلَىٰ شَفَا  
جُرْفٍ هَارٍ فَانْهَارَ بِهِ فِي نَارٍ جَهَنَّمَ ۗ وَاللَّهُ لَا  
يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ (توبه. ۱۰۹)

آیا کسی که بنیاد [امورش] را بر پایه تقوای الهی و رضای او نهاده بهتر است یا کسی که بنیاد [امورش] را بر لب پرتگاهی سست و فروریختنی نهاده؟! و آن بنا با بناکننده اش در جهنم سقوط می کند؛ و خدا گروه ستمکاران را هدایت نمی کند.



# یا مقایسه چهره دوزخیان و بهشتیان، سبکباران با سنگین بارها





مقایسه چهره دوزخیان و بهشتیان



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

هَلْ آتَاكَ حَدِيثُ الْغَاشِيَةِ

آیا خبر حادثه هولناکی که [همه انسان ها را از هر سو] فرا می گیرد، به تو رسیده است؟

وَجُوهٌ يَوْمَئِذٍ خَاشِعَةٌ

در آن روز چهره هایی زبون و شرمسارند؛

عَامِلَةٌ نَاصِبَةٌ

[آنان که همواره در دنیا] کوشیده اند و خسته شده اند [و سرانجام سودی نیافته اند]

تَصَلَّى نَارًا حَامِيَةً

در آتشی سوزان در آیند.

تُسْقَى مِنْ عَيْنٍ آنِيَةٍ

آنان را از چشمه ای بسیار داغ می نوشانند؛

لَيْسَ لَهُمْ طَعَامٌ إِلَّا مِنْ ضَرِيعٍ

برای آنان طعامی جز خار خشک و زهر آگین وجود ندارد

لَا يُسْمِنُ وَلَا يُغْنِي مِنَ جُوعٍ  
که نه فربه می کند و نه از گرسنگی بی نیاز می نماید

وَجُوهٌ يَوْمَئِذٍ نَاعِمَةٌ  
در آن روز چهره هایی شاداب و باطراوت اند

لَسَعِيهَا رَاضِيَةٌ  
از تلاش و کوشش خود خشنودند

فِي جَنَّةٍ عَالِيَةٍ  
در بهشتی برین اند

لَا تَسْمَعُ فِيهَا لِأُغْيَةٍ  
در آنجا سخن لغو و بیهوده نشنوند

فِيهَا عَيْنٌ جَارِيَةٌ  
در آن چشمه ای روان است

فِيهَا سُرُرٌ مَرْقُوعَةٌ

[و] در آنجا تخت هایی بلند و با ارزش قرار دارد

وَأَكْوَابٌ مَّوْضُوعَةٌ

و [در کنار چشمه هایش] قدح ها نهاده شده است

وَنَمَارِقُ مَصْفُوفَةٌ

و [دیگر از نعمت هایش] بالش های پهلوی هم چیده [برای  
تکیه زدن بهشتی ها] ست

وَزَرَابِيٌّ مَبْثُوثَةٌ

و فرش هایی زربافت و گسترده [که روی آن می نشینند].

## مقایسه سبکباران با سنگین بارها

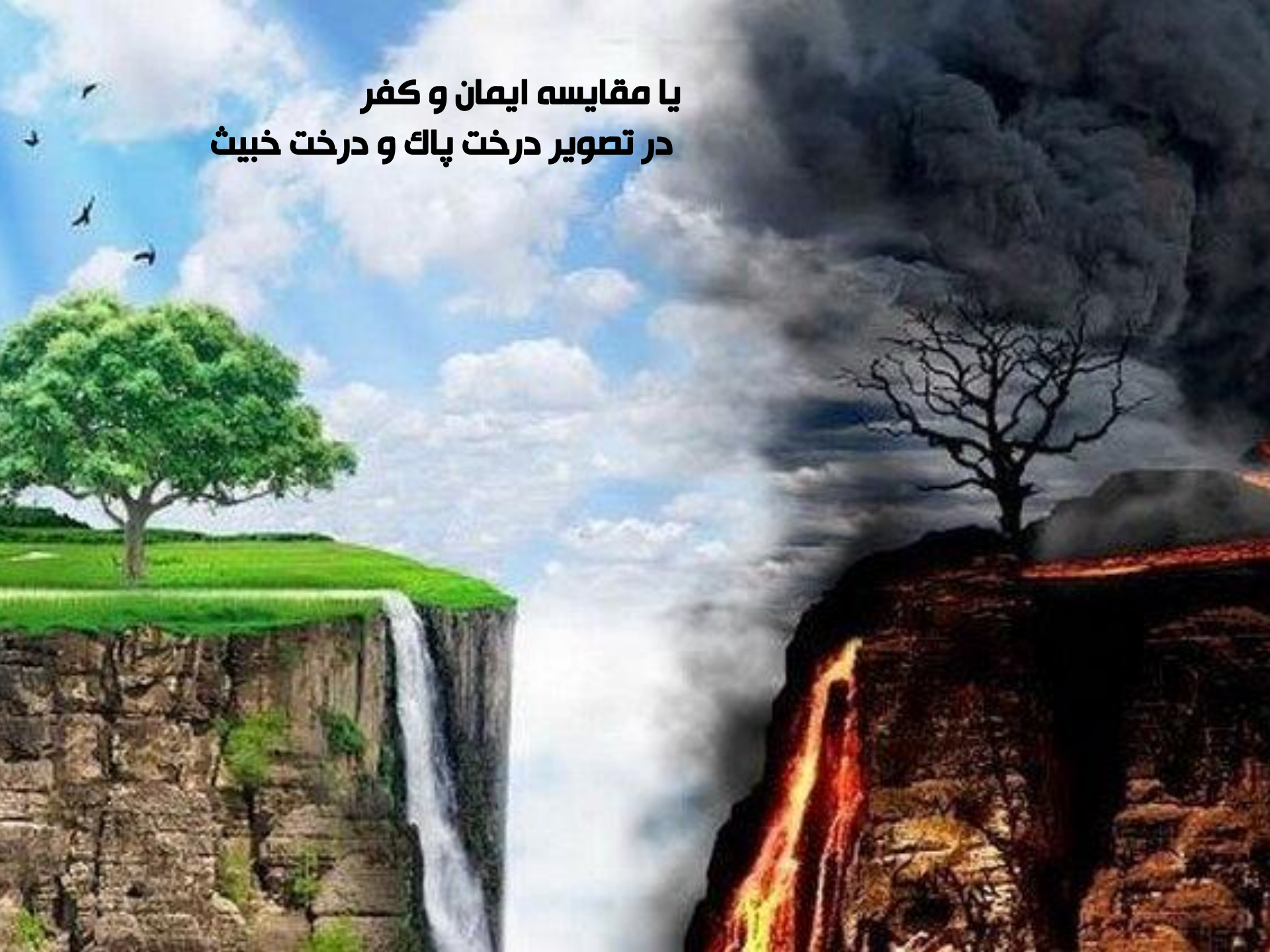


وَالْوَزْنُ يَوْمَئِذٍ الْحَقُّ ۖ فَمَنْ ثَقُلَتْ مَوَازِينُهُ فَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ  
میزان [سنجش اعمال] در آن روز حق است؛  
پس کسانی که اعمال وزن شده آنان سنگین و با ارزش باشد، رستگارند.  
(اعراف، ۸)

وَمَنْ خَفَّتْ مَوَازِينُهُ فَأُولَئِكَ الَّذِينَ خَسِرُوا أَنفُسَهُمْ بِمَا كَانُوا بِآيَاتِنَا يَظْلِمُونَ  
و کسانی که اعمال وزن شده آنان سبک و بی ارزش باشد،  
به سبب اینکه همواره به آیات ما ستم می ورزیدند،  
به خود زیان زده [و سرمایه وجودشان را تباه کرده] اند.  
(اعراف، ۹)



یا مقایسه ایمان و کفر  
در تصویر درخت پاک و درخت خبیث



أَلَمْ تَرَ كَيْفَ ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا كَلِمَةً طَيِّبَةً كَشَجَرَةٍ  
طَيِّبَةٍ أَصْلُهَا ثَابِتٌ وَفَرْعُهَا فِي السَّمَاءِ

آیا ندانستی که خدا چگونه مثلی زده است؟ کلمه پاک [که اعتقاد واقعی به توحید است] مانند درخت پاک است، ریشه اش استوار و پابرجا و شاخه اش در آسمان است. (ابراهیم، ۲۴)

تُؤْتِي أُكْلَهَا كُلَّ حِينٍ بِإِذْنِ رَبِّهَا ۗ وَيَضْرِبُ اللَّهُ  
الْأَمْثَالَ لِلنَّاسِ لَعَلَّهُمْ يَتَذَكَّرُونَ

میوه اش را به اجازة پروردگارش در هر زمانی می دهد. و خدا مثل ها را برای مردم می زند تا متذکر حقایق شوند. (ابراهیم، ۲۵)

وَمَثَلُ كَلِمَةٍ خَبِيثَةٍ كَشَجَرَةٍ خَبِيثَةٍ اجْتُثَّتْ مِنْ فَوْقِ  
الْأَرْضِ مَا لَهَا مِنْ قَرَارٍ

و مثل کلمه ناپاک [که عقاید باطل و بی پایه است] مانند درخت ناپاک است که از زمین ریشه کن شده و هیچ قرار و ثباتی ندارد. (ابراهیم، ۲۶)

**در نهایت مقایسه حق و باطل در تصویر آب حیات بخش و کف ناپایدار**

---



أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَسَالَتْ أَوْدِيَةٌ بِقَدَرِهَا فَاحْتَمَلَ السَّيْلُ  
زَبَدًا رَابِيًا ۚ وَمِمَّا يُوقِدُونَ عَلَيْهِ فِي النَّارِ ابْتِغَاءَ حُلْيَةٍ أَوْ مَتَاعٍ  
زَبَدٌ مِثْلُهُ ۚ كَذَلِكَ يَضْرِبُ اللَّهُ الْحَقَّ وَالْبَاطِلَ ۚ فَأَمَّا الزَّبَدُ  
فَيَذْهَبُ جُفَاءً ۚ وَأَمَّا مَا يَنْفَعُ النَّاسَ فَيَمْكُثُ فِي الْأَرْضِ ۚ  
كَذَلِكَ يَضْرِبُ اللَّهُ الْأَمْثَالَ

خدا از آسمان آبی نازل کرد که در هر دره و رودی به اندازه گنجایش و وسعتش [سیلابی] جاری شد، سپس سیلاب، کفی پُف کرده را به روی خود حمل کرد، و نیز از فلزاتی که برای به دست آوردن زینت و زیور یا کالا و متاع، آتش بر آن می افروزند، کفی پُف کرده مانند سیلاب بر می آید؛ این گونه خدا حق و باطل را [به امور محسوس] مَثَل می زند. اما آن کفی [روی سیل و روی فلز گداخته در حالی که کناری رفته] به حالتی متلاشی شده از میان می رود، و اما آنچه [چون آب و فلز خالص] به مردم سود می رساند، در زمین می ماند. خدا مَثَل ها را این گونه بیان می کند [تا مردم در همه امور حق را از باطل بشناسند].

(رعد، ۱۷)



## ۸. هماهنگی هنری



چند در مباحث پیشین از نقش شایان حروف و کلمات و جملات قرآن و فنون بلاغی بی نظیرش در تصویر پردازی و خلق صحنه هایی زنده و زیبا گفتیم ، اما سر دلبری و دلبریایی قرآن در آن است که همه ی این عوامل را در کنار هم و در نهایت انسجام همراه با ترنم های دل نشین و نفهه های روح پرور به کار گرفته و از این راه یکی از باشگوه ترین آثار دینی و هنری جهان را خلق نموده است.



هماهنگی واژه ها و جملات در ایبار نظمی  
بریع و کلامی آهنگین

یکی از جلوه های زیبای قرآن، حسن تلقین کلمات و جملات و آهنگ گوش نواز آن است ، که از این حیث می توان واژه ها و آیات قرآن را به جواهرهای زیبا و تراش خورده ای تشبیه نمود که در نظمی شگفت آور به رشته در آمده اند و گردنبندی باشکوه برای عروس زیبا و دلربای قرآن خلق نموده اند. این نظم شگفت آور در قرآن ، از آنجا سرچشمه میگیرد که « خداوند در تنظیم حروف و کلمات و جملات قرآن ، همان ظرایف و دقایقی را که در تالیف مجموع عالم هستی و خلقت انسان به کار برده اعمال نموده است»



## به تعبیر یکی از قرآن پژوهان معاصر:

قرآن الفاظ را به صورت انبوه روی هم نمی ریزد و بی جهت به هم متصل نمی سازد تا باین کار قصد ابهام آفرینی و عجیب و غریب جلوه دادن مطالب را داشته باشد ، بلکه فاصله ها در قرآن از هر قیدی رهاست و نظم آن از هر تکلفی مبراست و ساحت واژه ها از هر پیچیدگی به دور است. این همان اسلوب بیانی است که مقصودش را به طور کامل و بی هیچ نقص ادا میکند. تعبیرش گاه شدت میگیرند...



بدیهی است وقتی يك واژه قرآنی بتواند مستقلاً  
تابلوی زنده ای را خلق نماید يك آیه از قرآن چه  
وضعی خواهد داشت که در فضای آن کلمات با هم  
هماهنگ و به هم پیوسته اند و یا يك سوره از قرآن  
که همه آیات آن در ترسیم منظور و مقصد اصلی  
سوره با انسجامی کامل در حرکت اند و شور و  
بهجتی وصف ناشدنی می آفرینند

نظم حاکم بر کلمات و جملات قرآن و آهنگی که از  
وقت و حرکت، وصل و فصل، مدّ و قصر، کوتاهی و بلندی  
جملات، ادغام و اخفا و مانند آنها پدید می‌آید  
سینفونی‌های پرشکوه و جذابی را پدید می‌آورد که  
مستمع را به وجد می‌آورد و او را به حوزه جاذبه خود  
می‌کشد و همین سجع لطیف بود که دل از عرب صدر  
اسلام ربود و تصاویر گیرایش بر روی وجدان آنها اثری  
شگفت گذاشت



مُنْتَظِرٌ مَّأْنِدٍ زَمِينٍ  
ثَاكِرٌ زَمَانِشُرْبِ سِدِّ...  
AHRAR\_GROUP

# پندرہ ماہہ از این قوم کہ بری کرد

ahaadis





اللَّهُمَّ كَلِّبْ لِي  
الْحِلْمَ وَالْفَيْحَ



@jamkaran1  
کانال نسیم جمکران

# پاکداری

پیامبر اسلام (ص)

حق «علی» بر این امت مانند حق پدر بر فرزند است